

پیش به سوی

قانون اساسی نوین ایران

نگارش سوم

با اعمال نظرات رسیده طبق روال مندرج در پیش گفتار نگارش اول
جهت ادامه بررسی همگانی

دی ماه ۱۳۹۶

فهرست مطالب:

صفحه	
۱	متن قطعنامه "اتحاد برای دموکراسی" (حاوی مبانی اساسی مورد استفاده در تدوین پیش نویس)
۳	پیش گفتار قانون حقوقدانان ایران (برای نگارش سوم، دی ماه ۱۳۹۶)
۴	پیش گفتار حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران (برای "نسخه دوم"، دی ماه ۱۳۸۸)
۵	پیش گفتار حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران (برای "نسخه اول"، آبان ماه ۱۳۸۸)
۸	نگارش سوم پیش نویس قانون اساسی نوین ایران، پیشنهادی از سوی "قانون حقوقدانان ایران"

قطعه نامه

اتحاد برای دموکراسی

کانون حقوقدانان ایران^(*) با توجه به دستاوردها و تجربیات تاریخی جوامع بشری، به ویژه تجربیات دهه های اخیر در کشورمان ایران، حمایت خود را از ضرورت بازنگری در قانون اساسی بر پایه اصول زیر اعلام می کند و از اتحاد مردم ایران دعوت می کند در تدقیق این اصول و تدوین نسخه نهائی قانون اساسی فعالانه مشارکت فرمایند:

۱. حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش بر اساس خرد جمعی جامعه و با بهره گیری از دستاوردهای دانش در جوامع بشری،
۲. رعایت آزادی، برابری و سایر حقوق اساسی بشر، از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور با توجه کامل به میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، و تدوین مقررات کشور با رعایت این حقوق،
۳. برخورداری غیرتبعیض آمیز زن و مرد از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعیین وظایف برای آنان بر اساس عدالت،
۴. ممنوعیت تفتیش عقاید، مواخذه و تعرض به افراد به دلیل داشتن یا ابراز عقیده،
۵. ممنوعیت هرگونه گزینش افراد برای مشاغل بر اساس اعتقادات فکری آنان،
۶. آزادی کامل در داشتن اعتقادات مذهبی و غیرمذهبی و انجام مراسم اعتقادی و رعایت احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) ادیان و مذاهب، تا جائیکه بنا به تشخیص دادگاه ها مخالف قوانین موضوعه کشور، حقوق بشر، نظم عمومی و اخلاق حسنه (به مفهوم حقوقی آن) نباشد،
۷. آزادی داشتن یا نداشتن حجاب یا سایر نشانه های مذهبی و غیر آن،
۸. برخورداری کلیه آئین ها، اقوام و گروه ها از حقوق مساوی بدون در نظر گرفتن عواملی چون اعتقادات، رنگ، نژاد، زبان، و مانند اینها،
۹. آزادی کامل تشکیل احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی، آزادی راه اندازی رسانه های گروهی، تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، و آزادی اعتصاب به عنوان مهم ترین ابزارهای احقاق حق،
۱۰. تضمین حق حیات و امنیت شخصی، و مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض،
۱۱. نفی هرگونه رفتار یا کیفر ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و حق دسترسی همه به دادرسی عادلانه،
۱۲. ممنوعیت هرگونه شکنجه و آزار جسمی یا روحی به هر دلیل از جمله برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات و یا برای عمل ممنوع تفتیش عقاید، یا هتک حرمت از متهم یا مجرم محکوم، ممنوعیت ایجاد بازداشتگاه های غیر رسمی و ضرورت باز بودن درب کلیه زندانها به طور شبانه روزی و در تمام روزهای سال به روی بازرسان ویژه سه قوه و نمایندگان مجلس (که

- توسط مردم به طور مستقیم و بلاواسطه انتخاب می شوند، و نیز نمایندگان ارگان های رسمی حقوق بشری سازمان ملل متحد، مجتمعاً یا منفرداً، و ضرورت مجازات شدید متخلف از این موارد،
۱۳. لغو مجازات اعدام، به هر عنوان، تحت هر شرایط و به هر شکل اعم از تیرباران، حلق آویز کردن، سنگسار، و دیگر اشکال متصور،
۱۴. تحقق حق برخورداری آحاد جامعه از تندرستی و بهداشت، رفاه مطلوب و شایسته انسان از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات اجتماعی، و تحصیل رایگان،
۱۵. رعایت و تضمین تفکیک و استقلال کامل قوا، با رعایت اصل حاکمیت رای مردم،
۱۶. اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی از راه انتخابات مستقیم و بلاواسطه توسط مردم از جمله از طریق انتخاب مقامات عالیه سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، مقامات ارشد اجرائی منطقه ای و محلی، و شوراهای منطقه ای و محلی، و تضمین مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش،
۱۷. در نظر گرفتن راه های قابل دسترس برای بازنگری در قانون اساسی، با توجه به تحول جوامع بشری، تغییر نیازها و دانش بشر، و درک ضرورت تحول در قوانین و مقررات حاکم بر زندگی انسان،
۱۸. تضمین استقلال و امنیت اقتصادی و سیاسی کشور، ضمن داشتن تعامل با سایر کشورها،
۱۹. احترام به سایر ملل و برقراری روابط صلح آمیز با کشورهای جهان،
۲۰. همکاری با نهادهای بین المللی جهت استقرار و توسعه حقوق بشر، صلح و بهبود شرایط زیستی در جهان.

کانون حقوقدانان ایران

<https://greenlawyers.wordpress.com>

(*) توضیح: این قطعنامه نخستین بار در تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۸۸ با امضای "حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران" در وبلاگ این گروه درج شد و متعاقباً مبنای تنظیم پیش نویس پیشنهادی قانون اساسی نوین ایران قرار گرفت.

ملت آزاده و سلحشور ایران!

پیش نویس پیشنهادی قانون اساسی نوین ایران که در زیر تقدیم شده است برای نخستین بار در آبان ماه سال ۱۳۸۸ توسط جمع "حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران" (که اکنون با گسترش این مجموعه و نیز تحولات بعدی به "کانون حقوقدانان ایران" تغییر نام داده است) تهیه شد. سپس در یک بازه زمانی معین، با دریافت آراء تخصصی حقوقدانان و نظرات علاقمندان از طریق ایمیل ها و یادداشت های ذیل صفحه مربوطه در وبلاگ حقوقدانان، نگارش دوم (با نام "نسخه دوم") که حاوی جمع بندی پیشنهادات قابل توجه رسیده بود ارائه شد. اکنون نگارش سوم با چند مورد اصلاحیه مختصر محتوایی و شکلی جهت استحضار مردم ایران تقدیم می شود.

این تلاش کانون حقوقدانان ایران انجام وظیفه ای بوده است که فرزندان همین مرز و بوم و دانش آموختگان حقوق در برابر خود دیدند تا قبل و پس از سرنگونی حکومت نامشروع جمهوری اسلامی به عنوان یکی از منابع برای نگارش متن نهایی قانون اساسی نوین ایران مورد بهره برداری نمایندگان واقعی ملت بزرگ ایران قرار گیرد. پیش نویس پیشنهادی حاضر با دقت و وسواس فراوان و با اتکاء به آموزه های حقوق اساسی و نیز بررسی قوانین اساسی حدود یکصد و سی کشور دیگر که در دسترس بوده نگاشته شده است. به گمان ما، تک تک مفاهیم، واژگان و عبارات مندرج در این پیش نویس از پختگی نسبی حقوقی برخوردار است و بخش عمده ای از حقوق اساسی و بشری که در طول چهار دهه اخیر به شدت از ملت ایران دریغ شده است را در خود دارد. به باور ما، بخش عظیمی از ملت ایران، برخلاف گفته های برخی محافل، خوب می دانند که به عنوان جایگزین حکومت اسلامی فعلی چه می خواهند.

نه تنها از کلیه حقوقدانان محترم ایران که دامنه ای وسیع تر از اعضای کانون حقوقدانان ایران را در بر می گیرد، بلکه از همه هم میهنان گرامی دعوت می شود این پیش نویس را با دقت مطالعه فرمایند. ضمناً از دوستانی که ممکن است در برداشت مفاهیم، اندیشه ها و دلایل حقوقی که مبنای تدوین این پیش نویس سوالات یا ملاحظاتی داشته باشند، تقاضا می شود از کمک حقوقدانان فرهیخته ای که در اطراف خود دارند بهره گیرند. ضمناً ایمیل ارتباطات همگانی کانون حقوقدانان ایران همواره برای دریافت نظرات و سوالات هم میهنان گرامی در دسترس است (shahab_shabahang@hotmail.com).

امیدواریم بتوانیم به زودی کلیپ ها یا مطالب آموزشی و توضیحی را در خصوص تک تک اصول مندرج در این پیش نویس آماده نماییم. در حال حاضر از همه همراهان تقاضا می کنیم در صورت تمایل نسبت به بازنشر و توزیع متن حاضر به هر طریق ممکن اقدام فرمایند. هر گام به ظاهر کوچک ممکن است به تحولی عظیم انجامد. در مثل مناقشه نیست، در یک مغازه مکانیکی نوشته بودند: طاووسی که چتر خود را بسته و در کناری نشسته، تنها بوقلمونی دیگر است.

به سوی دست یابی به حقوق اساسی و بشری برای همه مردم ایران از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور!

کانون حقوقدانان ایران

دی ماه ۱۳۹۶

<https://greenlawyers.wordpress.com>

پیش گفتار نسخه دوم

ملت آزادیخواه ایران!

متن نسخه دوم پیش نویس پیشنهادی قانون اساسی نوین تقدیم می شود. این متن با بررسی نظرات تعدادی از هم وطنان و اعمال برخی از این نظرات، عمدتاً طبق روال مذکور در پیش گفتار نسخه اول، و نیز همکاری ارزنده همکارانی که اخیراً به این حرکت پیوسته اند، صیقلی بیشتر یافته است. بسیاری از نظرات مشترک دوستان، در قالب حقوقی ریخته مستقیماً در متن اصول درج شد. در برخی موارد که این کار به دلیلی میسر نبود، یا پیشنهادات مختلف یا متعارض که برای درج در نسخه دوم امتیاز آورده بودند مطرح بود، مطلب مورد نظر به صورت پیشنهاد(های) رسیده در اصل مربوطه آورده شد.

دو نکته در اینجا قابل ذکر است: اولاً میزان استقبال دوستان از طریق نظردهی، به ویژه ایمیل های مفصل، بسیار چشمگیر بوده است. ثانیاً اشتراک نظرات "در مبانی تفکر و خواسته ها" بسیار خوشحال کننده است. این نشان می دهد که بخش وسیعی از نظر دهندگان می دانند که به دنبال چه هستند و آن چیزی نیست جز سیستمی که آزادی های اساسی و مردم سالاری را تضمین کند و چنان هوشمندانه و دقیق طراحی شده باشد که راه را، از هر زاویه ممکن، بر ظهور استبداد، ظلم و فساد ببندد. بخشی از اختلافات تنها مربوط به ساختارها و پیکربندی نهادها و قوای حکومتی است. مهم این است که اغلب در اهدافی که به دنبال آن هستیم اشتراک نظر داریم. اختلاف نظر در ساز و کارهای دستیابی به این مطلوب ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه می تواند بسیار سازنده باشد. حداکثر امر این است که در صورت عدم حصول توافق از طریق تبادل نظر، نهایتاً صندوق رای تعیین کننده خواهد بود. ریسمان اتصال آزادیخواهان، اشتراک نظرشان نیست، بلکه به رسمیت شناختن حق اختلاف نظر و حل مسائل از طرق دموکراتیک و متمدنانه، با حاکمیت خرد و اندیشه است.

نسخه دوم پیش نویس پیشنهادی را فعلاً نه توزیع کنیم. این یک مبارزه مدنی مثبت است. امیدواریم تا زمانی که نهاد تدوین قانون اساسی (با هر نام و عنوان) تشکیل می شود تا به عنوان نمایندگان واقعی مردم این مهم را به انجام رسانند، توانسته باشیم متنی صیقل یافته و وزین را آماده کرده باشیم تا، در صورت دلخواه آن نمایندگان، به عنوان یک منبع مفید مورد استفاده قرار گیرد. ضمناً این متن بر روی یک "ویکی" قرار می گیرد تا جمع آوری سازمان یافته نظرات آسان تر شود. آدرس این ویکی در وبلاگ ما درج می شود.

در نظر داریم امکان تهیه یک کتابچه (یا مجموعه ای شفاهی) جهت تبیین و توضیح هر یک از اصول تدوین شده در پیش نویس پیشنهادی را بررسی کنیم. امید که عمر و توان لازم را داشته باشیم.

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران

دی ماه ۱۳۸۸

<https://greenlawyers.wordpress.com>

(توضیح: تاریخ و عنوان درج شده در بخش امضای این پیش گفتار مربوط به زمان نگارش آن برای نسخه دوم است.)

ملت آزاده و سلحشور ایران!

بخش عظیمی از مردم با شرکت خود در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در صدد برآمدند در چارچوب نظام حقوقی پراشکال موجود، با انتخاب خود سرنوشتی دیگر را برای خود رقم زنند. اما مستبدان با فهمیدن شکست خود، دست به تخلف و تقلب وسیع و دستکاری نتیجه انتخاب مردم زدند. مردم بی درنگ با موج عظیم خود، اعتراضی سبز و صلح آمیز را بوجود آوردند تا خواسته شان، که بررسی تخلف ها و تقلب های سازمان یافته و دادن زمام امور به دست رئیس جمهور منتخب شان بود، مورد توجه مسئولین قرار گیرد. در مقابل، متقلبان کودتائی خونین را به راه انداختند و سعی کردند تحت فرمان رهبرشان، با ضرب و شتم، سرکوب، دستگیری، زندان، شکنجه روحی و جسمی، و حتی تجاوز، موج سرکش توده های مردم را به عقب برانند. موج مردم گامی فراتر نهاد و عزل کاندیدای متقلب و محاکمه وی و همدستان جنایتکارش، و در ادامه عزل رهبری را در چارچوب قانون اساسی موجود، از نهادهای مسئول در نظام خواستار شد. باز هم رهبر و سایر کودتاگران بر خیره سری و جنایات خود اصرار ورزیدند. قوه قضائیه نیز با نادیده گرفتن وظایف قانونی و انسانی خود، همچون سابق به همراهی با استبداد پرداخت و از آن بدتر، ابزار دست کودتاچیان و جنایتکاران شد. مجلس خبرگان که بیست سال است هیچ خاصیتی از خود بروز نداده، نیز با صدور اطلاعیه ای شرم آور به حمایت از رهبر کودتاچیان و جنایتکاران پرداخت و به این ترتیب نشان داد که امید بستن به این نهاد نظام توهمی بیش نیست.

این عوامل همه دست به دست هم دادند تا مردمی که قصد داشتند در حمایت از کاندیدای منتخب خود و در چارچوب همین قانون اساسی، حقوق خود را مطالبه کنند، از نظام جمهوری اسلامی که چیزی از آن جز پوسته ای پوسیده و تهی باقی نمانده است ناامید شوند و بیش از پیش از آن دل برکنند و ندای پایان یافتن استبداد دینی را سر دهند. در این ندا، مراجع جلیل القدر، متفکرین اسلامی و مسلمانان واقعی و آنان که دلشان برای اسلام می طپد نیز به امید نجات آبروی باقیمانده، به حق با سایر مردم هم آوا شده اند و بر آنچه که بر سر اعتقاداتشان آمده است افسوس و صد افسوس می خورند.

از این رو، فرزندان ملت ایران آئینه اعمال کودتاچیان و نهادهای سرسپرده و ناتوان نظام را در برابر چشمانشان قرار می دهند. امروز مردم ایران گام ها به جلو آمده اند و می خواهند فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند. جنبش امروز مردم ایران به عنوان تبلور کنونی آزادی خواهی ملت از مشروطیت تا به امروز، پیش نویس قانون اساسی نوین کشور سربلند ایران، یعنی کشوری که طبق تاریخ مکتوب زادگاه حقوق بشر در جهان بوده است، را به پیشگاه ملت شریف ایران، شهدای راه آزادی، اسیران در بند و مبارزین سلحشور خود تقدیم می دارد، تا به عنوان سنگ بنای نخست با کمک خرد جمعی صیقل یابد و نهایتاً در ادامه مبارزات حق طلبانه مردم، به همه پرسی گذاشته شود.

در زیر اولین نسخه پیش نویس پیشنهادی برای قانون اساسی نوین ایران، و در پی آن جدول مقایسه ای نسخه اول متن پیش نویس قانون اساسی نوین ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی (قانون فعلی) آمده است. اگر چه مطالعه جدول مذکور را پیشنهاد می کنیم ولی مطالعه دقیق متن تمیز (بدون متن قانون اساسی جمهوری اسلامی) را اکیداً توصیه می کنیم چرا که بسیاری از نکات از جمله همبستگی بین اصول و سیستم ایجاد شده در اثر ارتباط کل قانون (مثل سیستم روابط بین قوای سه گانه) تنها در سایه قرائت کل اصول به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته میسر است.

هدف از تهیه نسخه اول این پیش نویس، جمع آوری و جمع بندی نظرها و پیشنهادهای همگان است. این نظرها و پیشنهادهای دو صورت در متن پیش نویس اعمال خواهد شد:

الف) تا حد امکان، نکته مربوطه در متن اعمال خواهد شد، در صورتی که:

- نکته مورد پیشنهاد، نکته ای مستقل از سایر بندها باشد و بافت قانون را به هم نریزد، و
- نظرات مخالفی در آن مورد دریافت نشده باشد.

ب) در غیر صورت های بالا، نکته یا نکات پیشنهادی به صورت بند هائی تحت عنوان "پیشنهاد یک و دو و ... " ذیل اصل مربوطه خواهد آمد.

استدعا داریم پیشنهادات خود را در مورد اصولی که با سایر اصول مرتبط هستند به گونه ای ارائه فرمائید که تغییرات هماهنگ و لازم در اصول مرتبط نیز با ذکر شماره اصل یا اصول مربوطه در پیشنهادتان منعکس باشد. مثلاً اگر شخصی تمایل به سیستم جمهوری دارد که در آن یک رئیس جمهور به انتخاب مردم به همراه یک نخست وزیر به انتخاب رئیس جمهور یا انتخاب مجلس یا ترکیبی از اینها وجود دارد حتماً سایر تغییرات لازم از حیث شیوه انتخاب نخست وزیر و حدود وظایف وی و رئیس جمهور را نیز همزمان مطرح نماید. به همین ترتیب اگر نظام پادشاهی مورد نظر کسی باشد، حتماً حدود وظایف این سمت و نیز عنوان و اختیارات رئیس قوه مجریه را پیشنهاد نماید. اما در مورد مسائلی مثل علامت روی پرچم ملی، کافی است که نظر شخص (مثلاً درج نام ایران با حروف نستعلیق، "شیرخورشید"، "بدون علامت"، "آرم فعلی" یا هر پیشنهاد دیگر) مطرح شود و از آنجا که این اصل ارتباطی مستقیم با سایر اصول ندارد، همین اعلام نظر کافی است. ضمناً در صورتی که یک پیشنهاد حداقل در ۱٪ (یک درصد) نظرات رسیده، موضوعاً مشترک باشد، در نسخه دوم که زمان کوتاهی پس از جمع آوری نظرات منتشر خواهد شد، کلیه پیشنهادات بدون تبعیض و با حداکثر امانت داری منعکس می گردد.

روش بالا اساساً بخشی از موفق ترین روشی است که امروزه برای تدوین پیش نویس کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی، و همچنین در پارلمان های فرا ملی وسیعاً به کار گرفته می شود.

متنی که به این ترتیب آماده می شود و حاوی پیشنهادات جمع بندی شده، چه در وجوه اشتراک و چه وجوه افتراق نظرات، خواهد بود، می تواند پس از فرارandom و بعد از انتخاب نمایندگان مجلس موسسان قانون اساسی توسط مردم در یک انتخابات آزاد و تحت نظارت مجامع بی طرف، به عنوان یک منبع مفید مورد استفاده قرار گیرد. پایبندی به اصول کلی مندرج در قطعنامه "اتحاد برای دموکراسی" (در ذیل همین فایل) به معنای همدلی بیشتر در پیشبرد مبارزه با استبداد است و در عین حال داشتن نظرات گوناگون در مورد اصول پیش نویس قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد و بلکه باید گفت که لازمه دموکراسی است. ویژگی جنبش سبز اساساً این است که طیف وسیعی از مردم را حول یک محور متحد کرده است و آن چیزی نیست جز همین دموکراسی. ضمناً بخشی از تفاوت در نظرات ناشی از ماهیت موضوعات است. مثلاً در برخی موارد مثل تنظیم روابط قوا، ساختار آنها و موارد دیگر، اصولاً بیش از یک راه حل وجود دارد و هر یک از آن راه حل ها (پیشنهادها) ممکن است در صورتی که به خوبی تنظیم و تدوین شود، از کارآئی قابل توجهی برخوردار باشد. به نظر ما، تصویر ترسیم شده در اصول این پیش نویس از اشکالات کمتر و مزایای بیشتر نسبت به مدل های موجود حتی در بسیاری از جوامع موفق برخوردار است. اما باکی نیست اگر اصلاحات کوچک یا بزرگ برای بهسازی هر یک از این اصول پیشنهاد شود. امید ما این است که با همیاری هم، بتوانیم در کاهش اشکالات و افزایش مزایای این پیش نویس موفق شویم.

قطعنامه "اتحاد برای دموکراسی" که قبلاً توسط حقوقدانان حاضر تدوین شده بود، با توجه به نظرات رسیده برخی هموطنان، پالایش و بهسازی شد که مبنای و جوهره اصلی این پیش نویس قرار گرفته است. لازم است تاکید کنیم که متن پیشنهادی حاضر، پیش نویس قانون اساسی است و تنها مبانی اصلی و اساسی اداره کشور را مشخص می کند. ضمن اینکه اصول یک قانون اساسی باید روشن، غیرقابل تفسیرهای ناخواسته، و مختصر باشد، باید توجه داشت که این قانون قرار نیست وارد همه مصادیق مشمول هر اصل شود چرا که در این صورت باید هزاران صفحه از قوانین را در قانون اساسی گنجانند. به عنوان مثال در قانون اساسی می توان گفت که مبنای حقوق افراد (مثلاً حقوق زنان) چیست: تعلیمات دینی، حقوق بشر در مفهوم بین المللی آن، یا...؟ اما نباید انتظار داشت که در مورد جزئیات مباحثی همچون ازدواج و طلاق، ارث، حضانت فرزندان و مانند اینها، قانون اساسی به بحث پردازد. وقتی می گوئیم حقوق غیر تبعیض آمیز یا برابر برای زنان و مردان با رعایت حقوق بشر به شرحی که در چند اصل این پیش نویس مورد اشاره قرار گرفته است، تکلیف اساساً روشن است و خطوط کلی در حدی که بر عهده قانون اساسی است ترسیم می شود. الباقی مسائل و بحث های مفصل و دقیق در مورد تک تک این موارد بعداً حسب مورد بر عهده قوانین مدنی، کیفری و سایر قوانین و حتی بعضاً رویه های قضائی است.

نکته آخر این که هر چه بیشتر بتوان نظرات مردم را دریافت کرد، متن از پختگی بیشتری برخوردار خواهد شد. تک تک نظرات بدون استثناء مورد مطالعه دقیق قرار خواهد گرفت. ایران به تساوی برای همه ایرانیان است. از همه علاقمندان خواهشمندیم در این خصوص از طریق فیس بوک، توئیتر، بلوتوث، سایت های مختلف و ایمیل فردی و گروهی، وسیعاً اطلاع رسانی کنند. قانون اساسی مهم ترین رکن دموکراسی است. همین قانون است که چگونگی مشارکت اقشار گوناگون مردم در تقسیم قدرت و تنظیم امور، تضمین واقعی آزادیهای اساسی و جلوگیری از ایجاد استبداد را تعیین می کند. در تنظیم آن فعالانه مشارکت کنیم. نظرات شما کمک خواهد کرد تا به پیش نویس بهتری برای قانون اساسی دست یابیم. لطفاً نظرات خود را به آدرس هماهنگ کننده وبلاگ

shahab_shabahang@hotmail.com بفرستید. (وبلاگ ما: <https://greenlawyers.wordpress.com>)

حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران

آبانماه ۱۳۸۸

<https://greenlawyers.wordpress.com>

(توضیح: تاریخ و عنوان درج شده در بخش امضای این پیش گفتار مربوط به زمان نگارش آن برای نسخه اول است.)

متن پیش نویس پیشنهادی قانون اساسی نوین ایران

نگارش سوم

فصل اول - اصول کلی

مبحث اول: مبانی

اصل اول

نوع حکومت ایران ... {.....}... است که ملت ایران در همه پرسى روز با اکثریت درصدی از افراد واجد شرایط به آن رای مثبت داد. تغییر نوع حکومت تنها بر اساس همه پرسى طبق اصول آتی این قانون ممکن است.

پیشنهاد یک: جمهوری

پیشنهاد دو: پادشاهی

پیشنهاد سه: جمهوری دمکراتیک

پیشنهاد چهار: جمهوری فدرال

پیشنهاد پنج: جمهوری اسلامی

(توضیح: ساختار اصلی این پیش نویس پیشنهادی، بر اساس جمهوری، با اختیارات وسیع اجرائی برای مقامات منطقه ای و محلی در سطح استان ها، است. اگر چه برخی پیشنهادات جایگزین در مورد نوع حکومت مستلزم هیچ تغییری در اغلب اصول اساسی و مهم این پیش نویس نیست و عمدتاً مربوط به برخی ساختارها است، اما در برخی اصول اعمال تغییراتی را ایجاب می کند. برخی موارد مهم و عمده آن در اصول مربوطه، حسب مورد با ذکر شماره اصول مرتبط که باید به طور هماهنگ تغییر کنند، درج شده است. ضمناً در مورد ساختار پادشاهی، علیرغم تعدد نسبی (بیش از ۱۲ در صد) نظرات رسیده در حمایت از آن، جزئیات بیشتری پیشنهاد نشده است. نکته آخر این که نهایتاً تصمیم در مورد برگزیدن دو یا چند گزینه از میان گزینه های بالا بر عهده نمایندگان مردم در شورای تدوین قانون اساسی نوین ایران خواهد بود.)

اصل دوم

ایران، دارای حکومتی است بر پایه اصول زیر:

- ۱ - حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش بر اساس خرد جمعی جامعه و با بهره گیری از دستاوردهای دانش در جوامع بشری،
- ۲ - تضمین آزادی، برابری و سایر حقوق اساسی بشر، از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور با توجه کامل به میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی،
- ۳ - تضمین حق حیات و امنیت شخصی، حفظ کرامت انسان ها، و مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل و حریم خصوصی اشخاص از تعرض،
- ۴ - نفی هرگونه رفتار یا کیفر ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و حق دسترسی همه به دادرسی عادلانه،

- ۵ - برخورداری غیر تبعیض آمیز همه جنسیت ها از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و تعیین وظایف برای آنان بر اساس عدالت،
- ۶ - رعایت حق برخورداری کودکان، مادران، سالمندان، بیماران و نیازمندان از کمک و حمایت ویژه،
- ۷ - رعایت و تضمین تفکیک و استقلال کامل قوا، با رعایت اصل حاکمیت رای مردم،
- ۸ - تضمین مشارکت تمام مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، و اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی از راه انتخابات مستقیم و بلاواسطه توسط مردم،
- ۹ - برخورداری کلیه گروه ها، آئین ها و اقوام و عشایر اقصی نقاط میهن از حقوق مساوی،
- ۱۰ - تحقق حق برخورداری آحاد جامعه از تندرستی و بهداشت، رفاه مطلوب و شایسته انسان از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات اجتماعی، و تحصیل رایگان،
- ۱۱ - کوشش و حمایت همگانی، پیوسته و آزادانه برای پیشرفت در علوم، فنون، فلسفه، فرهنگ و هنر،
- ۱۲ - تضمین استقلال و امنیت اقتصادی و سیاسی کشور، ضمن داشتن تعامل با سایر کشورها،
- ۱۳ - احترام به سایر ملل و برقراری روابط صلح آمیز با کشورهای جهان،
- ۱۴ - همکاری با نهادهای بین المللی جهت استقرار و توسعه حقوق بشر، صلح و بهبود شرایط زیستی در جهان.

اصل سوم

آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیها و حقوق اساسی مردم را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل چهارم

امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود که این امر از راه (الف) انتخابات مستقیم توسط عموم مردم مانند انتخاب رئیس جمهور، (ب) انتخابات مستقیم محلی مانند انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، استانداران، فرمانداران، شهرداران و سایر موارد مندرج در قوانین، حسب مورد به وسیله مردم هر استان، شهر، بخش یا سایر تقسیمات کشوری، (ج) انتخاب توسط قشر یا صنفی خاص از مردم مانند انتخاب قضات دادگاه قانون اساسی یا دیوان عالی کشور و امثال آن، و یا از راه (د) همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد صورت می پذیرد.

مبحث دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

اصل پنجم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. استفاده از سایر زبان ها و گویش ها در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است و تصمیم گیری در این مورد با رای عموم بر عهده مردم هر استان است. هر گونه تغییر در این اصل تنها با همه پرسی عمومی وفق موازین این قانون و سایر قوانین امکان پذیر است.

اصل ششم

تقویم رسمی کشور، تقویم ایرانی {.....}..... است.

پیشنهاد یک: خورشیدی جلالی

پیشنهاد دو: هجری خورشیدی و قمری

اصل هفتم

پرچم رسمی ایران دارای سه نوار با عرض مساوی به ترتیب از بالا به پائین به رنگهای سبز و سفید و سرخ در مرکز پرچم است .

پیشنهاد یک: با نشان شیروخورشید بدون شمشیر و تاج

پیشنهاد دو: با نام ایران به خط نستعلیق

پیشنهاد سه: بدون هیچ نشان بر روی آن یا

پیشنهاد چهار: با نشان شیروخورشید با شمشیر و تاج

پیشنهاد پنجم: با نشان فروهر

فصل دوم - حقوق اساسی ملت

اصل هشتم

مردم ایران از هر گروه، آئین، قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی و حق مشارکت مستقیم در اداره امور کل کشور، و امور منطقه خویش برخوردارند و اعتقادات، رنگ، نژاد، زبان، جنسیت و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل نهم

همه افراد ملت صرف نظر از جنسیت آنها به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و به طور غیر تبعیض آمیز از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. در تدوین قوانین باید تا حد اکثر ممکن حمایت ویژه از کودکان، مادران، سالمندان، بیماران و نیازمندان را منظور داشت.

اصل دهم

حقوق اساسی مانند آزادی بیان، حق امنیت شخصی، حریم و شیوه خصوصی زندگی اشخاص، حق دسترسی به دادرسی عادلانه و مانند اینها را نمی توان از هیچیک از افراد یا اقلیت ها به استناد نظر اکثریت ولو با وضع قانون مورد تعرض قرارداد.

اصل یازدهم

قوه مقننه، قضائیه و مجریه موظفند نسبت به اصلاح کلیه قوانین مغایر با حقوق بشر سریعاً اقدام لازم را به عمل آورند و در تدوین و تصویب قوانین و مقررات به طور مداوم به حقوق بشر توجه کامل نمایند. با توجه به ستم مضاعف تاریخی به زنان، زدودن تمامی اشکال تبعیض نسبت به زنان، از جمله در حقوق مدنی در زمینه ازدواج و طلاق، ارث، مسائل تابعیت، و مانند آن، و در حقوق کیفری در زمینه مجازات ها، شهادت، و مانند آن، از اولویت ویژه برخوردار است.

اصل دوازدهم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل و حریم خصوصی اشخاص از تعرض مصون است. قرارها و احکام قطعی دادسراها و دادگاهها که وفق قوانین صادر شده باشد مشمول این اصل تلقی نمی شوند.

اصل سیزدهم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به دلیل داشتن، ابراز و تبلیغ عقیده ای مورد مواخذه، تعرض یا مجازات قرار داد.

اصل چهاردهم

اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی همه افراد امری شخصی، محترم، مصون و جدای از سیاست رسمی کشور است. همه در داشتن اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی و انجام مراسم اعتقادی خود بدون توهین به عقاید و اعتقادات دیگران آزادند. انتخاب یا تغییر اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی امری شخصی و آزاد است. اجرای هیچ فعل یا ترک فعل مبتنی بر اعتقادات مذهبی یا غیر مذهبی را، چه در خفا و چه در انظار، نمی توان به هیچکس حتی صغار تحمیل کرد. {.....}..... احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) ادیان و مذاهب، تا جائیکه بنا به تشخیص دادگاه ها مخالف قوانین موضوعه کشور، حقوق بشر، نظم عمومی و اخلاق حسنه در معنای حقوقی آن نباشد، و دعاوی مربوط به این احوال در دادگاهها رسمیت دارند.

پیشنهاد: اضافه شدن این عبارت در جای خالی فوق:

تخصیص یا استفاده از بودجه و اموال عمومی برای تاسیس هر نوع اماکن یا موسسات، یا نظام آموزشی کشور برای تبلیغ یا آموزش اعتقادات مذهبی و ضد مذهبی ممنوع است.

اصل پانزدهم

داشتن یا نداشتن حجاب یا سایر نشانه های مذهبی و غیر آن آزاد است.

اصل شانزدهم

جرم سیاسی وجود ندارد. هر کس در حین انجام فعالیت سیاسی نسبت به اشخاص حقیقی و یا حقوقی مرتکب جرمی مانند افتراء شود و یا حقوق آنان را زیر پا بگذارد، حسب مورد طبق قانون مجازات یا موظف به جبران خسارات وارده به شخص مربوطه خواهد شد.

اصل هفدهم

با ذکر شناسنامه ناشر، چاپ کتاب نیاز به مجوز ندارد. راه اندازی نشریات، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه های گروهی آزاد است. نهاد یا وزارتخانه متولی در دولت موظف است وفق قوانین مصوب مجلس شورای ملی نسبت به ثبت این رسانه ها اقدام نمایند. این انتشارات و رسانه ها در بیان مطالب در صورت رعایت حقوق اشخاص آزاد هستند. تفصیل این اصل را قانون تعیین می کند.

اصل هجدهم

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، تجسس و افشای هر نوع مخابرات و پیام اعم از معمولی یا الکترونیکی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع و مستوجب کیفر است مگر به حکم قانون و با نظارت و حکم قاضی صالح.

اصل نوزدهم

تشکیل سازمان ها و نهاد های غیردولتی، احزاب، جمعیت ها، انجمن ها و اتحادیه های سیاسی و صنفی آزاد است. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. وزارت کشور و وزارت کار حسب مورد موظفند وفق قوانین مصوب مجلس شورای ملی نسبت به ثبت و همکاری با این تشکل ها اقدام نمایند.

اصل بیستم

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، آزاد و حق افراد است. زمان و مکان اجتماعات و راهپیمایی ها باید حداقل ۷۲ ساعت کاری قبل از انجام به وزارت کشور (یعنی در مراکز استان ها به استانداری، در شهرستان ها به فرمانداری و در سایر واحدهای تقسیم کشوری به بخشداری) اطلاع داده شود تا تدارک لازم جهت حفظ امنیت شرکت کنندگان و سایرین صورت گیرد. وزارت کشور حداکثر ظرف ۴۸ ساعت (دو روز کاری) از زمان وصول تقاضا موظف به صدور مجوز یا اعلام صریح دلایل عدم صدور آن در زمان یا مکان مورد تقاضا، و پیشنهاد نزدیکترین زمان و مکان جایگزین خواهد بود. متقاضی در صورت اعتراض، حق شکایت از تصمیم وزارت کشور را وفق قوانین مربوطه خواهد داشت. رسیدگی به این شکایت ظرف حداکثر ده روز از زمان وصول آن توسط محاکم صالح که قانون تعیین می کند به عمل خواهد آمد.

اصل بیست و یکم

اعتصاب یکی از ابزارهای احقاق حق است. شرایط آن را قانون تعیین می کند.

اصل بیست و دوم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف قوانین، نظم عمومی، اخلاق حسنه و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. هرگونه گزینش افراد برای مشاغل بر اساس اعتقادات فکری آنان ممنوع است و تخلف از آن جنبه کیفری خواهد داشت.

اصل بیست و سوم

برخورداری از تامین اجتماعی در هنگام بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، معلولیت، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند. در هر حال پوشش قابل قبول بیمه درمانی رایگان و حداقل مستمری، که میزان آن را در هر مورد قانون تعیین خواهد کرد، برای هر فرد ایرانی زیر ۱۸ سال و افراد بالای ۶۵ سال، صرف نظر از داشتن یا نداشتن سنوات شغلی، بر عهده دولت است. قوه مقننه و مجریه موظفند با توجه به منابع مالی و سایر امکانات، نسبت به گسترش پوشش بیمه درمانی و پائین آوردن تدریجی سن مشمول خدمات اخیر (۶۵ سال) تلاش کنند.

اصل بیست و چهارم

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان اولین مقطع منتهی به مدرک تحصیلی دانشگاهی در هر رشته، و حداقل در سطح کارشناسی، با رعایت استانداردهای مطلوب آموزشی فراهم سازد و وسائل تحصیلات بالاتر از آن را تا حداکثر ممکن به طور رایگان گسترش دهد. این اصل مانع در نظر گرفتن سازوکارهای تشویقی و حمایتی از بخش خصوصی برای ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی نیست.

اصل بیست و پنجم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل بیست و ششم

اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. هیچ عملی جرم نیست مگر در قوانین کیفری به آن تصریح شده باشد. مجازات های تعیین شده در قوانین در صورتی قابل اجراء خواهند بود که پس از طی کامل مراحل قانونی تصویب، توسط مجلس شورای ملی به ترتیبی که قانون تعیین خواهد کرد در مجموعه ای شامل کلیه قوانین پراکنده کیفری درج شده به تعداد کافی در اختیار عموم در سراسر کشور قرار گرفته باشد. تعیین جرائم در صلاحیت انحصاری مجلس شورای ملی است که بدون پیش فرض های سنتی، تنها بر اساس مطالعات ضرورت های جامعه و دستاوردهای علمی در مورد کلیه جنبه های فردی و اجتماعی انسانها، و با رعایت اصول حقوق بشر، و با رویکرد جرم زدائی، صورت می پذیرد.

اصل بیست و هفتم

هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، حداکثر ظرف یک ماه فراهم گردد. در صورت محکومیت متهم، مدت بازداشت موقت از مدت محکومیت وی کسر خواهد شد. متخلف از این اصل علاوه بر انفصال دائم از کلیه خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازاتهای مندرج در قانون نیز محکوم می شود.

اصل بیست و هشتم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از رجوع به دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل بیست و نهم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی ام

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و یکم

اعدام به هر صورت و تحت هر شرایط و به هر شکل اعم از تیرباران، حلق آویز کردن، سنگسار، و دیگر اشکال متصور، کلاً ممنوع است. حبس انفرادی بیش از ۷۲ ساعت، بیش از چهار بار در سال، و هر گونه شکنجه و آزار جسمی یا روحی به هر دلیل از جمله برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود و موظف به جبران خسارات مادی و معنوی وارده خواهد بود.

اصل سی و دوم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود و موظف به جبران خسارات مادی و معنوی وارده خواهد بود.

اصل سی و سوم

مکان و امکانات زندان های کشور باید در اداره مربوطه در قوه قضائیه به ثبت رسیده و فهرست آن در اختیار قوه مقننه قرار داده شود و از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم برسد. درب کلیه زندانها باید به طور شبانه روزی و در تمام روزهای سال به روی بازرسان ویژه سه قوه و نمایندگان مجلس شورای ملی، مجتمعاً یا منفرداً، و نیز نمایندگان ارگان های رسمی حقوق بشری سازمان ملل متحد باز باشد. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود.

اصل سی و چهارم

هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و پنجم

هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل سی و ششم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او.

اصل سی و هفتم

اتباع خارجه می توانند با رعایت تساوی کامل برای جنسیت ها در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را به پذیرد یا خود آنها درخواست کنند یا به تشخیص دادگاه صالح اقدامی علیه تمامیت ارضی یا امنیت ملی کشور انجام داده باشند.

فصل سوم - اقتصاد و امور مالی

اصل سی و هشتم

ساختار اقتصاد کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. {.....}..... دولت موظف است با شفاف سازی و تدوین قوانین و تسهیل مقررات زمینه فعالیت بخش های تعاونی و خصوصی را هر چه بیشتر فراهم آورد. حدود و ضوابط مربوطه را قانون معین می کند.

پیشنهاد یک: دولت حق انحصار فعالیتهای اقتصادی برای خود را ندارد مگر در مواردی که به تامین نیازهای ضروری و

حقوق اساسی جامعه یا امنیت ملی کشور مربوط است.

پیشنهاد دو: دولت حق انحصار فعالیتهای اقتصادی برای خود را ندارد.

اصل سی و نهم

اموال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره ها، جنگلها، نزارها، بیسه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار دولت است تا بر طبق مصالح عامه و حسب مورد با رعایت قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند.

اصل چهلم

مالکیت شخصی که از راه ... {.....}... باشد محترم است. هر کس مالک حاصل کسب و کار ... {.....}... خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند یا حقوق اساسی و انسانی وی را مورد تعدی قرار دهد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

پیشنهاد یک: مشروع - مشروع

پیشنهاد دو: قانونی - قانونی

اصل چهلم و یکم

دسترسی آزادانه به اطلاعات به طور اعم، به ویژه در مورد عملکرد سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و کلیه نهادها و موسسات عمومی، حق مردم است. مواردی از اطلاعات و اسناد که افشای آنها تا دوره ای معین ممکن است صرفاً بر خلاف مصالح ملی باشد، به وسیله قانون مصوب مجلس شورای ملی تعیین می شود. قوای مذکور و نهادها و موسسات عمومی موظفند ساز و کار مناسب برای بایگانی معمولی و الکترونیکی جهت نگهداری اسناد و مدارک به گونه ای که امکان امحاء یا دستکاری آنها وجود نداشته باشد را ایجاد کنند.

اصل چهلم و دوم

در بهره برداری از منابع طبیعی با رعایت موازن علمی و زیست محیطی مبتنی بر توسعه پایدار و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور، نباید تبعیض در کار باشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و سوم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، سو استفاده از موقوفات، سو استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی و نهادهای عمومی و شرکت هائی که دولت و یا نهادهای عمومی در آنها سهم دارند، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر قانونی را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به خزانه دولت واريز نماید. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت در دادگاه صالح به وسیله دولت اجراء شود. در مواردی که موضوع به نحوی مربوط به دولت یا نهادهای عمومی و شرکت هائی که دولت و یا نهادهای عمومی در آنها سهم دارند می شود، هر شخص می تواند مراتب را به قوه قضائیه اعلام کند یا خود راساً به طرح شکایت در دادگستری پردازد. در صورت اخیر، این شخص در صورت اخذ رای قطعی در دادگاه صالح دال بر اثبات مدعا، مستحق دریافت حق الزحمه بر اساس تعرفه و کلاء، از محل وجوه اخذ شده طی اجرای حکم خواهد بود.

اصل چهل و چهارم

حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، و نیز حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و تاریخی کشور وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی یا تخریب غیر قابل جبران محیط زیست ملازمه پیدا کند یا موجب آسیب یا تخریب میراث فرهنگی و تاریخی شود، ممنوع است. همچنین دولت موظف به ایجاد سازوکارهای مناسب برای تامین مالی حفظ و نگهداری محیط زیست و میراث فرهنگی و تاریخی، به ترتیب از طریق درآمد زائی خودگردان آنها، در نظر گرفتن تسهیلات مالیاتی و مانند آن، و در صورت نیاز تصویب بودجه عمومی خواهد بود. تفصیل این اصل و مسئولیت های مدنی و کیفری ناشی از تخلف از آن را قانون تعیین می کند.

اصل چهل و پنجم

هیچ نوع مالیات، عوارض و امثال آن وضع نمی شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود.

اصل چهل و ششم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل چهل و هفتم

کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

اصل چهل و هشتم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای ملی است. سازمان و اداره امور آن در پایتخت و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل چهل و نهم

دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل چهارم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاهم

ملت حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش است. هیچکس نمی تواند این حق را از ملت سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

اصل پنجاه و یکم

قوای حاکم در ایران عبارت هستند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که بطور مستقل از یکدیگر هستند. اعمال قوای سه گانه بر طبق اصول آینده این قانون مورد نظارت قرار می گیرد.

اصل پنجاه و دوم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل پنجاه و سوم

در مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد. مراجعه به آرا عمومی، به درخواست هیئت دولت یا نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی یا از سوی یک چهارم جمعیت کل واجدین شرایط رای دادن، باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل پنجاه و چهارم

پیشنهاد یک: اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

پیشنهاد دو: اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء است.

(توضیح: در صورت پذیرش پیشنهاد دو که پست نخست وزیر را به مجموعه می افزاید، اعمال تغییرات زیر به طور هماهنگ، "حداقل" تغییر لازم محسوب می شود:

اصول ردیف اول؛ کلمه "رئیس جمهور" (و مشتقات آن) در اصول ردیف اول بدون تغییر باقی می ماند:

۶۲ - ۹۰ - ۹۶ تا ۱۰۵ - ۱۰۷ - ۱۱۰ تا ۱۱۳ - ۱۵۲ - ۱۵۳

اصول ردیف دوم؛ کلمه "رئیس جمهور" به نخست وزیر تغییر می یابد:

۸۲ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۵ - ۱۱۶ تا ۱۲۱

اصول ردیف سوم؛ کلمه "رئیس جمهور" به "رئیس جمهور و نخست وزیر":

۶۴ - عنوان مبحث اول - ۱۲۲ تا ۱۲۴

اصول ردیف چهارم؛ کلمه "رئیس جمهور" به "رئیس جمهور یا نخست وزیر":

۶۳ - ۸۳ - ۸۴

اصول ردیف پنجم؛ اصولی که نیاز به تغییرات کلی خواهند داشت:

۹۵ - ۱۰۶ (به انضمام اضافه نمودن اصول مربوط به چگونگی معرفی

نخست وزیر توسط رئیس جمهور به مجلس برای رای اعتماد)

اصل پنجاه و پنجم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق قانون تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت پردازد.

فصل پنجم - قوه مقننه

مبحث اول - مجلس شورای ملی

اصل پنجاه و ششم

مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. تنها شرایط انتخاب کنندگان تابعیت ایرانی، دارا بودن {حداقل مدرک پایان تحصیلات دوره ابتدائی و} ۱۸ سال سن است. تنها شرایط انتخاب شوندگان تابعیت ایرانی، دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن، {مدرک کارشناسی،} و نداشتن پیشینه کیفری در جرائم جنائی یا مالی یا سایر جرائمی که قانون انتخابات تعیین می کند، است. کیفیت انتخابات برای تضمین اعمال نظر مستقیم و بلاواسطه مردم و در نظر گرفتن شرایط لازم و کافی برای تضمین سلامت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

پیشنهاد یک: نگه داشتن عبارات داخل براکت در متن این اصل

پیشنهاد دو: حذف عبارات داخل براکت در متن این اصل

اصل پنجاه و هفتم

دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل پنجاه و هشتم

عده نمایندگان مجلس شورای ملی به طور متوسط یک نفر در ازای هر دویست هزار نفر ایرانی است. از تاریخ نخستین همه پرسی این قانون، هر ده سال یکبار و بر اساس جمعیت جدید کشور، افزایش تعداد نمایندگان با تصویب مجلس شورای ملی صورت می پذیرد. محدوده حوزه های انتخابیه را قانون معین می کند.

اصل پنجاه و نهم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آیین نامه مصوب داخلی انجام می گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل شصت ام

ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد.

اصل شصت و یکم

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن سوگندنامه را امضا نمایند:

”من در برابر ملت ایران سوگند یاد می کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم که نگهبان ایران، منافع ملی و حقوق ملت باشم. در انجام وظایف و کالت، امانت را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته ها و نوشته ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را در مد نظر داشته باشم.“

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه ای که حضور پیدا می کنند مراسم سوگند را بجای آورند. نمایندگان در صورت تمایل می توانند با گذاشتن دست بر کتاب مقدس دین خود تحلیف را انجام دهند.

اصل شصت و دوم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور، به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدتی معین متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. این توقف باید در اولین فرصت و حداکثر در پایان زمان اشغال رفع شود. رسیدگی به تخلف از این اصل در صلاحیت دادگاه قانون اساسی است.

اصل شصت و سوم

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق صدا و سیما ملی و یک ویژه نامه روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری به تشخیص اکثریت مطلق مجلس شورای ملی، برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل شصت و چهارم

رییس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضور هستند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود.

مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی

اصل شصت و پنجم

مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند. اعلام طرح ها و لوایح به وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی ذیربط قبل از بررسی در مجلس و نیز حضور نمایندگان آنها جهت اظهار نظر مشورتی در مجلس هنگام بررسی این طرح ها و لوایح لازم است. تفصیل آن را قانون تعیین می کند.

اصل شصت و ششم

مجلس شورای ملی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل هشتاد و هشتم آمده بر عهده دادگاه قانون اساسی است.

اصل شصت و هفتم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین می کنند نیست.

اصل شصت و هشتم

لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پنج درصد از نمایندگان، در مجلس شورای ملی قابل طرح است.

اصل شصت و نهم

طرحهای قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه های عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد مگر اینکه طرح آن بدواً به تصویب مجلس برسد.

اصل هفتادم

مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور به طور اعم، از جمله قوای مجریه و قضائیه، را دارد.

اصل هفتاد و یکم

عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادهای و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و دوم

هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و سوم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب اکثریت نسبی مجلس شورای ملی موقتا" محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجددا" از مجلس کسب مجوز کند که در این صورت رای دو سوم نمایندگان مجلس لازم است.

اصل هفتاد و چهارم

گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی و اطلاع عموم از طریق روزنامه رسمی کشور و صدا و سیما ملی باشد.

اصل هفتاد و پنجم

دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در برخی امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات که به تامین نیازهای ضروری یا حقوق اساسی جامعه یا امور نظامی یا امنیت ملی کشور مربوط است به خارجیان مطلقا" ممنوع است. موارد آن را قانون، حسب شرایط سیاسی و اقتصادی در هر دوره زمانی، تعیین می کند.

اصل هفتاد و ششم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت، در زمینه های نظامی و امنیتی با تصویب مجلس شورای ملی و در سایر موارد با تصویب هیئت وزیران. تفصیل این اصل را قانون تعیین می کند.

اصل هفتاد و هفتم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب دو سوم آراء نمایندگان مجلس شورای ملی، آنهم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هفتاد و هشتم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هفتاد و نهم

به منظور کمک به تدوین هر چه بهتر قوانین و تضمین مشارکت اقشار متخصص در روند قانونگزاری، مجلس کمیسیون های تخصصی در امور اقتصادی، کار و امور اجتماعی، آموزش و تحقیقات، سیاست خارجی، بهداشت و درمان، برنامه و بودجه، انرژی و سایر موارد به تشخیص مجلس جهت بررسی و یا تدوین پیش نویس طرحها و لوایح و ارائه مشورت به مجلس و نمایندگان آن را تشکیل خواهد داد. اعضای هر کمیسیون متشکل از حداقل پانزده نفر نماینده مجلس به انتخاب خود مجلس و به تعداد مساوی کارشناس با تخصص

مرتبط، به انتخاب دانش آموختگان دارای تحصیلات دانشگاهی مرتبط در سطح کشور، خواهد بود. ترکیب کمیسیون امنیت ملی از این اصل مستثنی است. تفصیل این اصل در خصوص شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، روش انتخاب و سایر ترتیبات را قانون تعیین می کند.

اصل هشتماد

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگزاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل شصت و ششم به کمیسیون های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجراء می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای ملی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل شصت و ششم به کمیسیون های ذریبط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. مصوبات دولت نباید با قوانین و مقررات عمومی کشور مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر با مجلس شورای ملی و بر اساس درخواست حداقل ده درصد نمایندگان است. تشخیص مجلس مانع از حق رجوع افراد به دادگاه قانون اساسی جهت تشخیص تعارض با قانون اساسی و رجوع به دیوان عدالت اداری در موارد تعارض با قوانین عادی نخواهد بود.

اصل هشتماد و یکم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود در مجلس یا خارج از آن کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که اظهار کرده اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند چه در حین نمایندگی و چه پس از آن مورد پیگرد و مجازات قرار داد.

اصل هشتماد و دوم

رییس جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد.

اصل هشتماد و سوم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی از رییس جمهور یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رییس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رییس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

اصل هشتماد و چهارم

۱ - نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند در مواردی که لازم می دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل پنج درصد نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می دهند و در

صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رای اعتماد نداد، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک چهارم از نمایندگان مجلس شورای ملی رییس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رییس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رییس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رییس جمهور رای دادند مراتب جهت اجراء به اطلاع شورای ریاست جمهوری مرکب از معاون اول رییس جمهور، رییس قوه قضاییه و رئیس مجلس شورای ملی می رسد.

اصل هشتماد و پنجم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای ملی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را به شاکی اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد نتیجه را به اطلاع مردم برساند و در صورت تشخیص جرم مراتب را جهت اقدام به اطلاع دادستان کل کشور نیز برساند. در موارد نقض قانون اساسی، مجلس موظف به گزارش آن به دادگاه قانون اساسی خواهد بود.

اصل هشتماد و ششم

به منظور تضمین و تشخیص رعایت قانون اساسی و عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی و دولت با آن در صورت طرح موضوع از طریق دادخواست توسط هر شخص، و سایر وظایف مندرج در این قانون و سایر قوانین، دادگاه قانون اساسی با ترکیب زیر به عنوان قضات این دادگاه تشکیل می شود:

- ۱- ده نفر از قضات شاغل یا بازنشسته با حداقل سابقه پانزده سال کار قضائی به انتخاب قضات کشور.
 - ۲- ده نفر از حقوقدانان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان اعضای هیئت علمی دانشگاهها به انتخاب دانش آموختگان رشته حقوق با حداقل مدرک کارشناسی.
 - ۳- پنج نفر از وکلای دادگستری با سابقه حداقل پانزده سال سابقه عضویت در کانون های وکلاء به انتخاب اعضای کانون وکلاء.
- تفصیل این اصل را قانون تعیین می کند.

اصل هشتماد و هفتم

اعضای دادگاه قانون اساسی برای مدت ده سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن پنج سال، نیمی از اعضای هر یک از دسته های اول و دوم و سه نفر از اعضای دسته سوم، مذکور در اصل هشتماد و ششم به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند.

اصل هشتماد و هشتم

تشخیص تعارض مصوبات قوای مقننه و مجریه با قانون اساسی با حکم دادگاه قانون اساسی است که بر اساس نظر نصف به علاوه یک کل اعضای این دادگاه صادر می شود.

اصل هشتم و نهم

تفسیر قانون اساسی به درخواست هر یک از روسای سه قوه، مجلس شورای ملی، دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری، بر عهده دادگاه قانون اساسی است که با تصویب دو سوم آنان انجام می شود.

اصل نودم

دادگاه قانون اساسی رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری با رعایت اصل یکصدم، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آرا عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد. جلسات دادگاه باید از طریق صدا و سیما ملی به اطلاع عموم برسد.

فصل ششم - شوراهای منطقه ای و محلی

اصل نود و یکم

برای مشارکت مستقیم مردم در نظارت بر حسن اجرای امور و پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی، با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر استان، شهر، شهرستان، بخش و روستا، مجالسی به نام شورای استان، شهر، شهرستان، بخش و روستا تشکیل می شود که اعضای آن را مردم همان حوزه مربوطه به طور مستقیم انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات نظارتی و نحوه انتخاب و نظارت بر شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و تابعیت حکومت مرکزی کشور باشد، قانون معین می کند.

اصل نود و دوم

به منظور جلوگیری از تبعیض بین استان ها، تسهیل تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استان ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می کند.

اصل نود و سوم

شورای عالی استانها و نیز شورای هر استان حق دارند در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل نود و چهارم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هفتم - قوه مجریه

مبحث اول - ریاست جمهوری و وزرا

اصل نود و پنجم

رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

اصل نود و ششم

رییس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است. احراز پست ریاست جمهوری برای بیش از دو دوره بطور کل ممنوع است.

اصل نود و هفتم

رییس جمهور از میان مردان، زنان یا سایر جنسیت های واجد شرایط زیر انتخاب می شود:

پیشنهاد یک: ایرانی الاصل، منحصراً تابع ایران، دارای حداقل مدرک کارشناسی، حداقل ۳۰ سال سن، فاقد اعتیاد به مواد مخدر به شرحی که قانون تعیین می کند، نداشتن پیشینه کیفری در جرائم جنائی یا مالی یا سایر جرائمی که قانون انتخابات تعیین می کند.

پیشنهاد دو: ایرانی الاصل، منحصراً تابع ایران، دارای حداقل مدرک کارشناسی، حداقل ۳۰ سال سن، فاقد اعتیاد به مواد مخدر (و الکل؟) به شرحی که قانون تعیین می کند، نداشتن پیشینه کیفری در جرائم جنائی یا مالی یا سایر جرائمی که قانون انتخابات تعیین می کند و نداشتن بیماری روحی، روانی و جسمی که مانع انجام وظایف ریاست جمهوری گردد.

پیشنهاد سه: (منحصراً) تابع ایران، حداقل ۳۰ سال سن، فاقد اعتیاد به مواد مخدر و الکل به شرحی که قانون تعیین می کند، نداشتن پیشینه کیفری در جرائم جنائی یا مالی یا سایر جرائمی که قانون انتخابات تعیین می کند.

اصل نود و هشتم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را قانون معین می کند.

اصل نود و نهم

رییس جمهور با اکثریت مطلق آرا شرکت کنندگان، انتخاب می شود، ولی هر گاه در دور نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه دو هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرا بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرا بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند. در صورت اعلام انصراف یکی از دو نامزد در طول زمان بین دور اول و دور دوم، از زمان اعلام انصراف نامزد تا برگزاری دور دوم باید حداقل یک هفته فاصله در نظر گرفته شود. سایر موارد را قانون معین می کند.

اصل یکصدم

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای انتخابات ریاست جمهوری بر عهده هیئت نظارت بر انتخابات متشکل از پنج نفر نماینده وزارت کشور به انتخاب هیئت دولت، پنج نفر نماینده قوه قضائیه به انتخاب دیوان عالی کشور و سی و یک نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس است. دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به شکایات از تصمیمات هیئت نظارت بر انتخابات را دارا خواهد بود. {.....}..... تفصیل این اصل را قانون تعیین می کند.

پیشنهاد: این سازوکار مانع از دعوت از ناظران بین المللی تحت شرایطی، برای کمک به نظارت بر حسن اجرای انتخابات نخواهد بود.

اصل یکصد و یکم

انتخاب رییس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رییس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق رییس جمهور پیشین وظایف رییس جمهوری را انجام می دهد.

اصل یکصد و دوم

هر گاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، انتخابات برای یک ماه به تأخیر می افتد و نفری که در دور اول رتبه سوم را احراز کرده است جایگزین فرد متوفی خواهد شد.

اصل یکصد و سوم

رییس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگندنامه را امضا می نماید:

”من به عنوان رییس جمهور در برابر ملت ایران و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم و سوگند یاد می کنم که نگهبان ایران، منافع ملی و حقوق ملت باشم. در انجام وظایف ریاست جمهوری، امانت را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم، همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیتهایی که بر عهده گرفته ام بکار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعلاای کشور، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و قدرتی را که ملت به عنوان امانت به من سپرده است همچون امینی درستکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.“

رئیس جمهور در صورت تمایل می تواند با گذاشتن دست بر کتاب مقدس دین خود مراسم تحلیف را به جای آورد. حکم ریاست جمهوری در همین جلسه و پس از اتیان سوگند توسط رئیس جمهور، به امضای رئیس مجلس و توسط وی از طرف ملت به رئیس جمهور داده خواهد شد.

اصل یکصد و چهارم

رییس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و مجلس شورای ملی مسئول است .

اصل یکصد و پنجم

رییس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجراء در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و ششم

رییس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رییس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت .

اصل یکصد و هفتم

امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی، عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقتنامه ها و قراردادهای دولت ایران و هر یک وزارتخانه ها و سازمان های تابعه یا وابسته به دولت، با سایر دولتها یا بخش خصوصی خارجی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رییس جمهور یا نماینده قانونی او است. پاراف اینگونه اسناد توسط رئیس جمهور یا نماینده قانونی او در صورتی که هیچگونه آثار الزام آور نداشته باشد بلامانع است. در این صورت رئیس جمهور موظف است مراتب را ظرف پانزده روز به اطلاع مجلس برساند.

اصل یکصد و هشتم

رییس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل یکصد و نهم

رییس جمهور می تواند در موارد خاص ، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رییس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و دهم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رییس جمهور تعیین می شوند. رییس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد.

اصل یکصد و یازدهم

علاوه بر وظایفی که به موجب اصول این قانون و قوانین عادی بر عهده رئیس جمهور قرار می گیرد، وظایف زیر نیز بر عهده شخص رئیس جمهور است و نمی توان آنها را بر عهده دیگری گذارد:

(۱) فرماندهی کل نیروهای مسلح

(۲) اعلان جنگ و صلح با تصویب مجلس شورای ملی (در صورت برقراری و امکان تشکیل جلسه مجلس)

(۳) نصب و عزل رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی با تصویب مجلس شورای ملی، و قبول استعفای آنان با اطلاع مجلس

۴) عفو یا تخفیف مجازات محکومین پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه

۵) اعطای نشانهای دولتی

اصل یکصد و دوازدهم

رییس جمهور استعفای خود را به مجلس شورای ملی تقدیم می کند و تا زمانی که استعفای او با رای نصف به علاوه یک تعداد کل نمایندگان پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می دهد.

اصل یکصد و سیزدهم

در صورت فوت، کناره گیری، عزل، یا ناتوانی از انجام وظیفه به مدت بیش از دو ماه رئیس جمهور به دلیل غیبت یا بیماری و امثال آن، یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رییس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این دست، شورایی به نام شورای ریاست جمهوری مرکب از معاون اول رییس جمهور، رییس قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای ملی، همه وظایف ریاست جمهوری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجلس شورای ملی، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت سه ماه انتخابات ریاست جمهوری جدید برگزار شود.

هر گاه رییس جمهور بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف ریاست جمهوری ناتوان شود در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود. ریاست شورا بر عهده معاون اول رئیس جمهور و در غیاب وی به ترتیب بر عهده رئیس مجلس شورای ملی و رئیس قوه قضائیه خواهد بود.

اصل یکصد و چهاردهم

در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای رییس جمهور بر عهده شورای ریاست جمهوری است، وزرا را نمی توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدید نظر در قانون اساسی برای همه پرسى اقدام نمود.

اصل یکصد و پانزدهم

وزرا توسط رییس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می کند.

اصل یکصد و شانزدهم

ریاست هیئت وزیران با رییس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم های وزیران و هیئت دولت می پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاههای دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رییس جمهور اتخاذ می شود لازم الاجراء است. رییس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

اصل یکصد و هفدهم

وزرا تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می ماند. استعفای هیئت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

رئیس جمهور می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و هجدهم

رئیس جمهور می تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت یک سوم از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای ملی برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.

اصل یکصد و نوزدهم

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست .

اصل یکصد و بیستم

علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه های اجرایی قوانین می شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویبنامه و آیین نامه پردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تایید رئیس جمهور لازم الاجراء است .

تصویبنامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل ، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای ملی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد. نظر مجلس مانع از اعمال حق افراد در رجوع به دادگاه قانون اساسی جهت تشخیص تعارض با قانون اساسی و دیوان عدالت اداری بابت تعارض با قوانین عادی نخواهد بود.

اصل یکصد و بیست و یکم

صلح دعوای راجع به اموال عمومی و دولتی یا حل و فصل آن از طریق داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و بیست و دوم

رسیدگی به اتهام رییس جمهور و معاونان او و وزیران، در مورد جرائم مربوط به انجام وظایف شان در یکی از شعب دیوان عالی کشور و در مورد جرائم عادی در دادگاههای عمومی دادگستری، و در هر دو صورت با اطلاع مجلس شورای ملی، انجام می شود.

اصل یکصد و بیست و سوم

رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها و موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکتهای دولتی و خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است. داشتن سمت مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره یا مشاوره یا هر ترکیبی از اینها بطور همزمان در دو یا چند شرکت، موسسه یا نهاد دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت ها، موسسات و نهادهای عمومی که شمول آنها مستلزم ذکر نام است ممنوع است.

اصل یکصد و بیست و چهارم

دارایی رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران، نمایندگان مجلس و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رییس قوه قضاییه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم – ارتش ایران

اصل یکصد و بیست و پنجم

بجز نیروهای انتظامی که وفق قوانین تشکیل می شوند و تضمین امنیت جامعه و انجام وظایف ضابط قضائی را بر عهده دارند، ارتش ایران تنها نیروی نظامی کشور است. ارتش ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده دارد. ارتش مستقیماً و نیز از طریق وزارت دفاع در برابر مجلس نسبت به اقدامات خود پاسخگو است.

اصل یکصد و بیست و ششم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای مسلح کشور پذیرفته نمی شود.

اصل یکصد و بیست و هفتم

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است. موارد مربوط به همکاری با نهادهای سازمان ملل، و یا اجرای کنوانسیون ها و پیمان های بین المللی که به تصویب مجلس شورا ملی رسیده باشد از این اصل مستثنی هستند.

اصل یکصد و بیست و هشتم

دولت می تواند در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی و آموزشی، استفاده کند به شرطی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. در هر صورت و تحت هر شرایط، و به منظور حفظ قداست خدمات نیروهای مسلح به میهن و مردم، دخالت این نیروها، همانند سایر نیروهای مسلح، اطلاعاتی و امنیتی، در امور سیاسی و اقتصادی ممنوع است.

اصل یکصد و بیست و نهم

هر نوع بهره برداری شخصی از وسائل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل یکصد و سی ام

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و سی و یکم

دولت موظف است برای همه افراد کشور امکانات آموزش نظامی را فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد. اختیاری یا اجباری بودن و سایر شرایط مربوط به خدمت نظامی حسب شرایط کشور، بر عهده مجلس شورای ملی است.

فصل هشتم - سیاست خارجی

اصل یکصد و سی و دوم

سیاست خارجی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق بشر و روابط صلح آمیز متقابل با جهان استوار است. دولت از طریق وزارت امور خارجه متولی سیاست خارجی کشور است و مجلس می تواند در باره سیاست خارجی دولت از طریق مصوبات خود نقش نظارتی و هدایتی داشته باشد.

اصل یکصد و سی و سوم

هر گونه قرارداد که موجب سلطه خارجیان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. حدود آن را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و سی و چهارم

دولت ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی یا اجتماعی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران یا کنوانسیون های بین المللی که ایران آنها را امضاء کرده و به تصویب نهائی مجلس رسیده باشد تبهکار یا خائن به ملت خود شناخته شوند.

فصل نهم - قوه قضاییه

اصل یکصد و سی و پنجم

قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند،
- ۲) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و حقوق بشر،
- ۳) نظارت بر حسن اجرای قوانین،
- ۴) کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای سایر مقررات مدون جزایی،

۵) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین،

۶) رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم،

۷) انجام وظایف نظارتی و سایر وظایف مندرج در قوانین ناظر بر روابط بین قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه.

اصل یکصد و سی و هشتم

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، یک نفر از میان زنان و مردان و سایر جنسیت های حقوقدان عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر با سابقه حداقل پانزده سال کار قضاوت و/یا وکالت، به انتخاب قضات کشور و تصویب مجلس شورای ملی، برای مدت پنج سال، غیر قابل تمدید، به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می شود که عالیتین مقام قوه قضائیه است. عزل وی تنها در صورت محکومیت قطعی کیفری در اختیار مجموع اعضای دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، و در سایر موارد با تصویب دو سوم کل نمایندگان مجلس شورای ملی خواهد بود. تفصیل روش انتخاب و عزل را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و سی و نهم

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری بر اساس قانون و به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و سی و پنجم.

۲- تهیه لوایح قضایی با رعایت قانون اساسی.

۳- ریاست هیئت استخدام قضات متشکل از رئیس قوه قضائیه، پنج نفر از قضات دیوان عالی کشور و پنج نفر از قضات دیوان عدالت اداری، که وظیفه استخدام قضات عادل، شایسته و دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته حقوق، و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها را طبق قانون برعهده خواهد داشت.

اصل یکصد و سی و دهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و سی و نهم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که قانون تعیین می کند تشکیل می گردد. قضات دیوان با رای قضات دادگستری انتخاب می شوند.

اصل یکصد و چهل و یکم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید از میان قضات عادل و آگاه به امور قضایی با سابقه حداقل پانزده سال کار قضائی توسط قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال، غیر قابل تمدید، انتخاب شوند. عزل آنها در اختیار همین دیوان و با اطلاع مجلس خواهد بود. قبول استعفاي آنان با رئیس قوه قضائیه است.

اصل یکصد و چهل و دوم

صفات و شرایط قاضی با رعایت اصول قانون اساسی، بوسیله قانون معین می شود.

اصل یکصد و چهل و سوم

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و اثبات جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد. ضمناً نمی توان بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه، دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

اصل یکصد و چهل و سوم

محاکمات به طور علنی انجام می شود و حضور افراد و رسانه ها به طور اعم بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاهها باید در احکام خود به تمام استدلالات طرفین اشاره کنند و دلایل قبول یا رد آنها را صریحاً و به طور کامل و جداگانه بیان دارند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی حقوقی را در قوانین مدونه و رویه های قضائی بیابد و اگر نیابد در صورت امکان با استناد به عرف و اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و چهل و ششم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و چهل و هفتم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویبنامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات موضوعه یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و ضمن صدور حکم مقتضی در پرونده مطروح، موضوع را جهت تصمیم گیری عمومی به اطلاع دیوان عدالت اداری برسانند. در هر حال، هر شخصی می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. در صورت اثبات مدعا، شخص مستحق دریافت پاداش معادل تعرفه و کالت به هزینه دستگاه اجرائی خوانده خواهد بود. جریمه یا مجازات افراد تصویب کننده مصوبات ابطال شده را قانون تعیین خواهد کرد.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر شخصاً ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال ضرر شخص متضرر طبق قانون جبران خواهد شد.

اصل یکصد و چهل و نهم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضا ارتش و سایر نیروهای مسلح، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می

شوند. دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور و از جهت طرز انتخاب قضات و سایر ترتیبات مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و پنجاهم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری تاسیس می گردد. انتخاب اعضای این دیوان با قضات دادگستری، و انتخاب و عزل رئیس آن با اعضای این دیوان است. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. انتخاب رئیس سازمان با معرفی رئیس قوه قضائیه، برای یک دوره پنج ساله غیر قابل تمدید، و عزل وی با درخواست رئیس قوه قضائیه، بر عهده دیوان عالی کشور است. قبول استعفای وی با رئیس قوه قضائیه خواهد بود. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند.

فصل دهم - رسانه های ملی

اصل یکصد و پنجاه و دوم

در صدا و سیمای ملی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت قوانین و مصالح کشور باید تامین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای ملی ایران با مجلس شورای ملی است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای ملی (هر کدام سه نفر) بر این سازمان نظارت خواهد داشت. خط مشی و ترتیب اداره این سازمان و نظارت بر آن، و نیز شرایط ایجاد و اداره سایر رسانه هائی که با بودجه عمومی اداره می شوند را قانون مصوب مجلس شورای ملی تعیین می کند.

فصل یازدهم - شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و پنجاه و سوم

به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می گردد:

- ۱- تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور.
- ۲- هماهنگ نمودن قوای مجریه، مقننه و قضائیه در زمینه تدابیر کلی دفاعی - امنیتی .
- ۳- بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با خطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی .

اعضای شورا عبارتند از:

- روسای قوای مجریه، مقننه و قضائیه.
- رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح.
- عالیترین مقام نیروی زمینی، هوایی و دریائی.

- مسئول امور برنامه و بودجه
- سه نماینده به انتخاب مجلس.
- وزرای امور خارجه، کشور، و امنیت ملی.
- حسب مورد وزیر مربوط

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رییس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که طرف رییس جمهور تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد.

فصل دوازدهم - بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

با توجه به تحول جوامع بشری، تغییر نیازها و دانش بشر، و درک ضرورت تحول در قوانین و مقررات حاکم بر زندگی انسان، بازنگری در قانون اساسی ایران امکان پذیر است و به ترتیب زیر انجام می گیرد:

در صورتی که ضرورت بازنگری یا متمیم قانون اساسی به درخواست اکثریت مطلق نمایندگان مجلس به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد، یا از سوی یک بیستم جمعیت کل واجدین شرایط رای دادن در کشور از مجلس درخواست شده باشد، شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر و به ریاست رئیس مجلس جهت تهیه اصلاحیه یا متمم این قانون تشکیل می شود:

- ۱- روسای قوای سه گانه
- ۲- قضات دادگاه قانون اساسی
- ۳- پنج نفر از وزراء به انتخاب هیئت وزیران
- ۴- پنج نفر از قوه قضائیه به انتخاب قضات دیوان عالی کشور
- ۵- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس
- ۶- پنج نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاهها به انتخاب مجلس

مصوبات شورا باید طی یک همه پرسی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان برسد.

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای همه پرسی بر عهده هیئت نظارت بر همه پرسی متشکل از پنج نفر نماینده وزارت کشور به انتخاب هیئت دولت، پنج نفر نماینده قوه قضائیه به انتخاب دیوان عالی کشور و بیست و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس است. دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به شکایات از تصمیمات هیئت نظارت بر همه پرسی را دارا خواهد بود.

شیوه کار شورا، تفصیل ضوابط همه پرسی و سایر موارد را قانون تعیین می کند.

*